

بحثی پیرامون گذشته و آینده برنامه‌های راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش ایران

یوسفعلی عطاری*

چکیده

یکی از برنامه‌هایی که می‌تواند نقش مهم و سازنده‌ای در پیشگیری و حتی حل مشکلات انسان‌ها در مراحل رشد در ابعاد گوناگون ایفا کند، راهنمایی و مشاوره در نظام آموزش و پرورش و بالطبع در جامعه است. راهنمایی عبارت از جریان باری کردن به فرد است تا خود و جهان خارج از خود را بشناسد. در این فرآیند، مهمترین هدف راهنمایی، ارائه اطلاعات مفید و سازنده از طرف مشاور به مراجع است تا وی، ضمن شناخت بهتر و بیشتری از خود و امکانات اطراف، بتواند تصمیمات مناسب و معقولی اتخاذ و اجرا کند. برنامه‌های راهنمایی و مشاوره با همه ضرورت و اهمیتی که در این مقاله تا حدودی به آن اشاره شده است، بعد از ۹ سال و آغاز تأسیس، یعنی ۱۳۵۰ هجری شمسی، در سال ۱۳۵۹ از نظام آموزش و پرورش ایران حذف گردید. این برنامه و به تعبیری دقیقتر، این وسیله مهم تربیتی - آموزشی بعد از بازمی‌بینی و تجدیدنظر، مجدداً از مهرماه ۱۳۷۱، در مقطع دبیرستان در نظام نوین آموزش و پرورش ایران فعالیت خود را آغاز کرده است، و امید می‌رود تا در آینده نزدیک در همه نواحی تحصیلی گسترش و تعمیم پیدا کند. این مقاله هم اشاره به عواملی دارد که باعث عدم موفقیت برنامه‌های راهنمایی و مشاوره در مرحله اول فعالیت آن گردیده، و هم اینکه، به منظور پیشگیری از تکرار نجات بخش گذشته، رهنمودهایی برای برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران این برنامه در برنامه‌ریزیهای آینده دارد.

مقدمه

«راهنمایی» و «مشاوره» را همهٔ انسانهای سلیم‌النفس مورد تأیید قرار می‌دهند، مشروط به

آنکه جریان راهنمایی بر بنیادی منطقی استوار و هدفش «گرد - گشایی» مشکلات انسان باشد. پشرفت شتابان و در برخی موارد غیرقابل پیش‌بینی علوم و تکنولوژی و به تبع آن پیچیدگی در روابط انسانی از یک طرف، و ناتوانی انسان در حل معضلات گوناگون خویش از طرف دیگر، این احساس نیاز را خواه‌ناخواه در وی ایجاد می‌کند که از دیگران برای حل معضلات و مسائل خویش کمک و یاری بگیرد (شفیع‌آبادی، ۱۳۷۲). یکی از برنامه‌هایی که می‌تواند نقش مهم و سازنده‌ای در پیشگیری و حتی حل مسائل ناشی از جریان مستمر رشد انسان در ابعاد گوناگون ایفا کند، راهنمایی و مشاوره در نظام آموزش و پرورش، و بالطبع در جامعه است (بمینی‌شریف، ۱۳۵۶).

واژه راهنمایی، نشان دادن راه؛ را می‌رساند و غالباً به معنی «نشان دادن راه درست» به کار می‌رود. این معنی کلی، حاکی از تاریخچه‌ای طولانی است که به سهولت می‌تواند تا آغاز خلقت بشر پیشینه داشته باشد، چراکه انسان همواره نیازمند راهنمایی و نشان دادن راه درست بوده است. ارتباطات درون‌گروهی و برون‌گروهی بشر و علل و عوامل آن، وجود راهنمایی را در جنبه‌های مختلف ضروری می‌سازد، تا آنجا که اصولاً دوام زندگی سالم هر انسانی در گرو راهنمایی بوده است، چنانکه نخستین راهنمایی‌های برنامه‌دار، برای رساندن فرد به کمال از طریق ادب‌ان آغاز شده و ادامه یافته است.

به این ترتیب می‌توان گفت هر نوع وسیله‌ای که فرد (یا جامعه) را در جهت معین و مشخصی هدایت کند، حکم راهنما را دارد. از این تعریف چنین استنباط می‌شود که یک انسان، یک سخنرانی، یک کتاب، یک نمودار، یک مقاله و جز اینها، می‌تواند راهنما باشد و راهنمایی کند. اما منظور ما در این مقاله آن نوع خاص از راهنمایی است که در ارتباطات بین انسانها پدیدار می‌گردد و دارای هدف، برنامه و ملازماتی چند است.

تعریف راهنمایی و مشاوره

به طور کلی، راهنمایی از دیدگاه‌های متعدد و به طرق گوناگونی تعریف شده است، که در این

مقاله تنها به چند مورد آن به اختصار اشاره می‌شود.

به نظر شرتزر و استون (Shertzer & Stone, ۱۹۷۴) راهنمایی فعالیت پویایی است که انسان را در خودشناسی و آشنایی با محیط یاری می‌دهد. به اعتقاد گیسون و میچل (Gibson & Mitchell, ۱۹۹۰) راهنمایی جریان یاری کردن به فرد است تا خود و جهان خارج از خود را بشناسد. به‌طور کلی می‌توان راهنمایی را مجموعه تدابیر، فعالیتها و فنونی دانست که فرد را در شناخت تواناییها و محدودیتها یاری می‌دهد و نهایتاً موجب می‌گردد که انسان بر اساس آگاهیهای حاصله، به منظور نین به اهداف فردی و اجتماعی تصمیمات مناسب و معقول اتخاذ کند. در این جریان مهمترین هدف راهنمایی، ارائه اطلاعات مفید و سازنده در زمینه‌های مختلف به منظور گسترش دانش انسان است تا بتواند از بروز مسائل و مشکلات در آینده پیشگیری به عمل آورد.

از سوی دیگر، مشاوره از نظر لغوی گفتگوی هدفدار و در راهنمایی عملی‌ترین فن آن و در واقع قلب راهنمایی محسوب می‌شود. مشاوره از دیدگاههای مختلف تعاریف گوناگونی دارد که در اینجا تنها به دو مورد آنها به اختصار اشاره می‌شود. به نظر پاترسون (Patterson, ۱۹۷۲) مشاوره رابطه‌ای کمک دهنده بین مشاور و مراجع است که در این فرآیند، مراجع که فارغ از اختلالات عمیق شخصیتی است، پس از شناخت افکار و احساسات مزاحم و نگران‌کننده، در جهت تغییر مناسب آنها اقدام می‌کند تا به هدف نهایی فرآیند مشاوره که رسیدن به رشد مطلوب در ابعاد گوناگون شخصیت است برسد. به نظر گیسون و میچل (۱۹۹۰)، مشاوره جریان آموزشی فعال و پویایی است که از طریق آن مراجع، که فردی عادی است، در اهداف و شیوه زندگی تجدیدنظر می‌کند و نحوه ارتباط مطلوب با خود و دیگران را فرا می‌گیرد.

به‌طور کلی، مشاوره گفتگوی حضوری و هدفدار بین مراجع و مشاور است، و مراجع که فردی عادی است در محیطی امن، مطمئن و پذیرا، مشکلات خود را با مشاور در میان می‌گذارد و با تبادل نظر، به شناخت بهتری از خود و امکانات اطراف نائل می‌گردد و برای رفع مشکلات خود تصمیم مناسب و معقولی اتخاذ و اجرا می‌کند.

با توجه به تعاریف ارائه شده می‌توان گفت که وجود برنامه‌های راهنمایی و مشاوره، به صورت سیستماتیک و منظم در نظام آموزش و پرورش به طور اخص، و در جامعه (خانواده، سازمان و ...) به طور اعم یک ضرورت مسلم است (ازدبیلی، ۱۳۷۱). علت این امر این است که پژوهشها نشان داده است که «پیشگیری» به موقع در هر زمینه و از آن جمله در زمینه اختلالات رفتاری، و آسیبهای فردی و اجتماعی منطقی ترین، اساسی ترین و مقرون به صرفه ترین روش آموزشی و تربیتی است (شفیع آبادی، ۱۳۷۲، عطاری، ۱۳۶۳). به این اعتبار، می‌توان گفت که راهنمایی و مشاوره مطمئنترین وسیله پیشگیری، و به تعبیری، خود پیشگیری است. والدین و مربیان تربیتی و آموزشی به منظور شناخت و بالطبع پیشگیری از بروز سرگروه رفتار نابهنجار و همچنین اتخاذ روشهای مطلوب حمایتی و تشخیصی نیاز به وجود برنامه‌های راهنمایی و مشاوره صحیح و منطبق با نیازهای فردی و اجتماعی در جامعه دارند.

در همین راستا، مشاور، و به تعبیری، مهندس اجتماعی جامعه و مجری و کارگردان اصلی برنامه‌های راهنمایی و مشاوره می‌تواند تحت شرایطی ویژه و تخصصی به افراد طالب و نیازمند کمک، اعم از دانش آموز و یا غیر دانش آموز (مراجع) تغییراتی چشمگیر در جهت تحقق اهداف مطلوب آنان پیشنهاد کند (یمینی دوزی سرخابی، ۱۳۷۲، یمینی شریف، ۱۳۵۶).

نظر به ضرورت و اهمیت ایجاد برنامه‌های راهنمایی و مشاوره و همچنین تأسیس مراکز مشاوره دانشجویی در سطح دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی در سالهای اخیر راهاندازی مراکز مشاوره دانشجویی در دانشگاهها را وجه همت خویش قرار داده است. اما با همه ضرورت و اهمیتی که برنامه‌های راهنمایی و مشاوره داشته و دارد، این برنامه، و به عبارتی بهتر، این وسیله مهم تربیتی و آموزشی در سال ۱۳۵۹ به دلایلی که به برخی از آنها به اختصار اشاره می‌شود، از نظام آموزش و پرورش ایران حذف گردید. لازم به یادآوری است که هدف از اشاره به دلایل مربوط به عدم موفقیت برنامه‌های راهنمایی و مشاوره در این مقاله نه تنها یادآوری این نکته است که در گذشته چه کرده‌ایم، بلکه به منظور رسیدن به جوابی منطقی به این سؤال است که در راهاندازی مجدد برنامه‌های راهنمایی و مشاوره در نظام

نوین آموزش و پرورش چه باید کرد؟

دلایل عدم موفقیت برنامه‌های راهنمایی و مشاوره در گذشته و ضرورت ارائه پیشنهادها می برای آینده

۱. در فرهنگ ایرانی همواره فرآیند راهنمایی توسط مشاور، مستلزم آن است که مشاور، علاوه بر داشتن علم و تحصیلات تخصصی، از تجربه و هنر مشاوره‌ای برخوردار باشد (شفیع آبادی، ۱۳۷۲). متأسفانه در طول مدت زمانی که برنامه‌های راهنمایی و مشاوره در نظام آموزش و پرورش ایران فعال بود (۱۳۵۹ - ۱۳۵۰) بسیاری از مشاوران جوان، نه تنها از این ویژگیها در حد مطلوب برخوردار نبودند، بلکه کلام آنها به عنوان یاری‌دهنده، در دل و جان مراجع نفوذ چندانی نداشت. به علاوه، بیشترین تکیه‌گاه و مورد استفاده مشاوران کتب درسی ترجمه شده در زمینه راهنمایی و مشاوره بود. این کتب، که اکثراً در غرب نوشته و به چاپ رسیده بودند بیشتر به منظور رفع نیازهای فردی و اجتماعی جوامع غربی تألیف و تدوین شده بودند. زمانی که برنامه‌های راهنمایی و مشاوره در نظام آموزش و پرورش ایران راه‌اندازی گردید، از عمر آن، در جوامع غربی بیش از ۷۰ سال می‌گذشت. بدیهی است چنین برنامه‌هایی نمی‌توانستند در ایران موفقیت‌آمیز باشند، زیرا که منطبق با نیازهای فردی و اجتماعی این مملکت تهیه و تدوین نشده بودند.

۲. همان‌گونه که بی‌دانیم اجرا و انجام صحیح و دقیق هر برنامه آموزشی یا تربیتی بدون وجود مریبان مجرب و کارآزموده، و بدون وجود وسائل و امکانات و مواد لازم و همچنین، بدون همکاری و مشارکت مؤثر و فعال افراد و مؤسسات ذیربط امری مشکل و گاه غیرممکن می‌باشد. بدیهی است راه‌اندازی برنامه‌های راهنمایی و مشاوره نیز در هیچ زمانی از این قاعده مستثنی نبوده و نیست (شریعتمداری، ۱۳۵۶).

۳. ضرورت ایجاد و گسترش، و همچنین کارآمدی برنامه‌های راهنمایی و مشاوره، مانند هر برنامه خدماتی - کاربردی، بدون انجام پژوهشهای مستمر به منظور تشخیص نقاط ضعف و قوت برنامه مشخص نمی‌گردد. با وجود این، در سالهایی که این برنامه در نظام آموزش و

پرورش ایران فعال بود، امر پژوهش و تحقیق، و یا ضرورت تشکیل کلاسهای آموزش ضمن خدمت، و یا کوشش در انتشار مجلات علمی و پژوهشی در زمینه راهنمایی و مشاوره، مرکز مورد تأیید و یا اجرا قرار نگرفت (یمینی شریف، ۱۳۵۶).

۴. مشاوره علمی است که در صدد آن است تا اسرار درون فرد را بدون جریح‌دار کردن احساسات او آشکار سازد. یکی از ابزار اصلی این علم، زبان، یا به تعبیری، «ارتباط کلامی» است. از طریق زبان است که مراجع باید مسائل خود را بیان کند، و همه جزئیات و حوادثی را که به مسائل و مشکلاتش مربوط هستند به تفصیل برای مشاور مطرح کند تا وی بتواند با در نظر گرفتن جوانب مختلف مسئله، بهترین راه حل ممکن را به وی پیشنهاد کند. لذا زبان مشاوره‌زبان تفصیل است و حال آنکه زبان مردم و فرهنگ ایرانی زبان اجمال است. لیکن مشاور، که هم خودش و هم مراجعش در فرهنگی رشد کرده‌اند که رعایت حجب و حیا، و نیز احساس آییخته به حفظ راز و رازداری بر آن حاکم است، نمی‌تواند به خوبی اصول و فنونی را که به صورت نظری در مراکز آموزشی آموخته است، در عرصه کار و فعالیت، به‌منظور مشکل‌کنشایی از مراجع به‌کار بندد.

علل فوق‌الذکر و علت‌های دیگری که بیان آنها در این مقاله موجب اطاله کلام می‌گردد، سبب گردید که فعالیت‌های این برنامه در سال ۱۳۵۹ متوقف شود. اما از سال ۱۳۶۴ با توجه به اهمیت مسلم وجود چنین برنامه‌ای در نظام آموزش و پرورش، مجدداً ضرورت ایجاد برنامه‌های راهنمایی و مشاوره احساس گردید، و برای این برنامه مهم تربیتی و آموزشی جایگاه ویژه‌ای در ساختار نظام آموزش و پرورش نوین ایران در نظر گرفته شد. همان‌گونه که سی‌دانیس این برنامه از سال تحصیلی ۷۱-۷۲ مجدداً در مقطع دبیرستان به مرحله اجرا درآمد، و امید آن می‌رود که به تدریج در همه مقاطع تحصیلی گنجانده و اجرا شود (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۶).

ویژگی‌های راهنمایی و مشاوره در برنامه‌ریزی آینده:

اکنون که ضرورت رزانداندازی مجدد و نوگنمایی این برنامه در نظام آموزش و پرورش شدیداً

احساس گردیده است، باید مسئولان و دست‌اندرکاران برنامه‌های راهنمایی و مشاوره به نکاتی چند توجه دقیق مبذول دارند. یکی از نکات مهم این است که آیا توصیه‌های مشاور در جریان یاری‌رسانی به دانش‌آموزان باید ضمانت اجرایی داشته باشد یا نه؟ نکته مهم دیگر اینکه انتخاب افرادی که به عنوان مشاوران آینده در مقطع دبیرستان تعیین می‌شوند، صرف‌نظر از موفقیت در امتحانات ورودی دانشگاهها، از چه خصیصه‌هایی باید برخوردار باشند؟ تحقیقات و مطالعات در زمینه میزان موفقیت مشاوران در مدارس نشان داده است مشاورانی که قبل از ورود به دوره‌های آموزشی تربیت مشاور، حداقل دارای سه سال تجربه آموزشی و تدریس بوده‌اند، موفقتر از مشاورانی بوده‌اند که این تجربه را نداشته‌اند (گیسون و میچل، ۱۹۹۰). به علاوه، تحقیق در زمینه میزان همبستگی بین موفقیت مشاور با وضعیت تأهل وی نشان داده است که موفقیت مشاوران متأهلی که دارای سوابق تدریس هم بوده‌اند، در مقایسه با مشاوران مجردی که فقط سابقه تدریس داشته‌اند، از همبستگی بالاتری برخوردار بوده است (گیسون و میچل، ۱۹۹۰). لذا برای این‌که برنامه‌های راهنمایی و مشاوره از کارایی کافی برخوردار باشد، ضروری است هم در انتخاب اولیه مشاور دقت لازم به عمل آید و هم مراکز تربیت مشاور با آینده‌نگری کافی آموزشها و تجارب لازم را در طول دوران تحصیل در اختیار آنان قرار دهند. در این زمینه، نگاهی اجمالی به برنامه‌های درسی اخیر این رشته که به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی شاخه راهنمایی و مشاوره در وزارت فرهنگ و آموزش عالی رسیده است، نشان می‌دهد که به نکات فوق‌الذکر توجه کافی مبذول نشده است، و جا دارد که برنامه‌ریزان رشته راهنمایی و مشاوره، این برنامه را مجدداً مورد بررسی و بازبینی قرار دهند. با توجه به نکاتی که به اختصار در بالا به آن اشاره گردید، می‌توان چنین اظهارنظر کرد که برنامه‌های مشاوره، به آن معنا و مفهومی که سالها در فرهنگ غربی مورد استفاده قرار گرفته، و در حقیقت، هم در مدارس و دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، و هم در مؤسسات غیرآموزشی آن سامان از کارایی برخوردار بوده است، در کشور ما، نه کارایی لازم را داشته است و نه موفقیت چشمگیری. هم‌اکنون نیز تا دستیابی به یک برنامه مشاوره کارآمد، برنامه‌ای که مبتنی بر جوی مناسب توأم با

احترام متقابل و همحسی بین مراجع و مشاور باشد راه نسبتاً درازی در پیش است. برای اینکه برنامه‌های راهنمایی و مشاوره مفید و مؤثر واقع گردد و تجارب تلخ گذشته، لااقل در نظام آموزش و پرورش نوین ایران مجدداً تکرار نگردد، این برنامه، و مسئول اصلی آن یعنی مشاور باید از ویژگیهای لازم برخوردار باشند.

به نظر می‌رسد شاید مهمترین ویژگی برنامه مشاوره فرآیند آن باشد. مشاوره به‌عنوان یک وسیله ارتباط انسانی و معنوی بین دو فرد است که یکی مشاور تحصیلکرده و مجرب، و دیگری مراجع است. این رابطه معمولاً رو در رو و انفرادی است، و هدف آن کمک و یاری رساندن مؤثر و مفید به مراجع است. این فرآیند تنها در صورتی به نتیجه می‌رسد که مراجع در وهله نخست به مشاور و جریان مشاوره اعتماد پیدا کند. به نظر می‌رسد برای ایجاد این اعتماد حداقل سه شرط لازم باشد: الف. پذیرش و احترام کامل و بدون قید و شرط مشاور نسبت به مراجع، ب. تفاهم صادقانه توأم با همدلی و همحسی بین هر دو نفر، و ج. رازداری از ناحیه مشاور. آخرین شرط به این نکته اشاره دارد که در جلسات مشاوره، مطالب و موضوعاتی که مراجع بیان می‌کند، همواره به صورت محرمانه باقی بماند، و مشاور تحت هیچ شرایطی، مگر با رضایت و اجازه قبلی مراجع خود، آن مطالب را بازگو نکند. در همین راستا، پژوهشها نشان داده است که دانش آموزان در مدارس ترجیح می‌دهند مسائل و مشکلات خود را با دوستان و والدین خود مطرح کنند تا با مشاور در مدرسه، که اغلب نه به صورت دلخواه، بلکه به صورت اجبار به وی ارجاع داده می‌شوند (احمدی، ۱۳۷۳).

پایامد طبیعی ارجاع اجباری دانش آموز به مشاور عدم برقراری اعتماد لازم بین وی و مشاور و بالطبع، عدم کارایی فرآیند مشاوره خواهد بود. یکی از دلایل بارز تمایل به طرح مسائل با دوستان و والدین این است که در فرهنگ ایرانی، رازداری هم به‌عنوان یک ارزش مثبت و هم به عنوان جزیی از شخصیت افراد مورد پذیرش است. ولی در غرب که موفقیت برنامه‌های راهنمایی و مشاوره، در مدارس و جامعه مرهون اصل خود-افشاگری و آشکارسازی مکنونات درون از طرف مراجع به مشاور است، مشکل پرده‌پوشی راز به‌گونه‌ای که در فرهنگ ایرانی رایج

است، وجود ندارد. (معدن‌دار، ۱۳۷۴). در فرهنگ ایرانی، از همان دوران کودکی که بزرگترها نیووده‌های تربیتی را به کودک آموزش می‌دهند، تأکید می‌شود که: «هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد». موضوع ایجاد اعتماد مراجع به مشاور همچنان یکی از مشکلاتی است که باید به صورت ریشه‌ای مورد بررسی و توجه قرار گیرد. لهذا، به نظر می‌رسد که می‌بایستی بین «علم مشاوره» از یک طرف، و فرهنگ ایرانی مراجع، از سوی دیگر تلفیقی مناسب به وجود آید و نتایج صحیح این مهم یکی از رسالت‌های مهم برنامه‌ریزان این رشته است. اما باید دید اکنون چه کار می‌توان کرد؟ به نظر می‌رسد اهم وظایف و مسئولیت‌های برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران برنامه‌های راهنمایی و مشاوره عبارت باشند از:

۱. تقویت بنیه علمی هسته‌های مشاوره:

هسته‌های مشاوره در مدارس و ادارات آموزش و پرورش تقویت شده، و به صورت مستمر آموزش‌های نظری و عملی گسترده‌تر و عمیق‌تری دریافت کنند. در همین راستا، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و سمینارهای علمی - پژوهشی می‌تواند نقش ارزنده‌ای در ارتقاء دانش و تجارب دست‌اندرکاران هسته‌های مشاوره داشته باشد.

۲. انطباق برنامه‌های راهنمایی و مشاوره:

با توجه به نقش مهم مبانی ارزشی - فرهنگی و اعتقادی آموزش و پرورش در ایران، انطباق هرچه سریع‌تر و بیشتر برنامه‌ها و خدمات مشاوره‌ای در آموزش و پرورش با اصول و ارزشهای اسلامی از اهمیت چشمگیر و حیاتی برخوردار گردد.

۳. برنامه‌ریزی و توسعه برنامه‌های راهنمایی و مشاوره:

در این زمینه تبیین نیازمندیهای دانش‌آموزان به امر راهنمایی و مشاوره، و هماهنگ ساختن این برنامه با برنامه‌ها و فعالیتهای دیگر مدرسه در طول خدمات راهنمایی و مشاوره از اولویت

خاصی برخوردار گردد.

۴. تشکیل مستمر جلسات انجمن اولیاء و مربیان:

مشاور در این‌گونه جلسات، والدین دانش‌آموزان را در جریان وظایفی که بر عهده می‌باشد، قرار داده و اهداف و رسالتی را که برنامه راهنمایی و مشاوره در مدرسه برعهده دارد، بیان می‌کند.

۵. ارجاع دانش‌آموزان:

یکی از مسئولیتهای عمده مشاور ارجاع دانش‌آموزانی است که حل مسئله و مشکل آنان نیاز به متخصصین دیگر و از آن جمله روانپزشک دارد. در این زمینه، مشاور باید همواره نسبت به پیگیری امر ارجاع دانش‌آموز به مراکز درمانی و با به متخصصین مربوطه کوشش و اهتمام لازم را به عمل آورد.

۶. کمک به برنامه‌ریزی تحصیلی و حرفه‌ای و شغلی دانش‌آموزان:

مشاور در تلاش خود به منظور آماده کردن دانش‌آموزان در ارتباط با ایجاد فرصتهای تحصیلی و شغلی و به منظور رشد مطلوب، خود - رهبری، در آنان می‌تواند به سود زیر اهتمام ورزد:

الف. دانش‌آموزان را نسبت به علائق، استعدادها، نمره‌های پیشرفت تحصیلی آنان، و نتایج آزمونهای مختلف در ارتباط با فرصتهای تحصیلی و شغلی کنونی و آتی جامعه، و همچنین شرایط احراز آنها آگاه کند.

ب. اطلاعات لازم درباره حرفه‌ها و مشاغل، و نحوه ورود به آنها، و همچنین قوانین استخدامی را از طریق مشاوره‌های فردی، گروهی، و بازدیدهای علمی در اختیار آنان قرار دهد.

ج. در برنامه‌ریزیهای تحصیلی و شغلی به آن عده از دانش‌آموزانی که از مقطع دبیرستان

فارغ‌التحصیل می‌شوند، و یا به آن عده از دانش‌آموزانی که به دلایل گوناگون مجبور به ترک تحصیل هستند، کمک کند.

۷. مشورت و همکاری با کارکنان مدرسه:

مشاور باید به منظور بررسی و رفع نیازها و مسائل همه دانش‌آموزان مصواره با معلمین، مدیر و معاونین مدرسه همکاری نزدیک داشته باشد. در این زمینه، تشکیل و استمرار جلسات آموزش ضمن خدمت با کارکنان مدرسه به منظور تبادل اطلاعات لازم در مورد بررسی مسائل و مشکلات دانش‌آموزان، و همچنین تشریح و تبیین وظائف خودش به آنان از اهمیت خاصی برخوردار است.

۸. ارتباط برنامه‌های راهنمایی و مشاوره با رشته‌های مشابه:

به منظور ارتقای کیفیت خدمات مشاوره‌ای، تبادل نظر و مشارکت عملی متخصصین مشاوره با متخصصین رشته‌های همجوار به ویژه روانشناسی، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی و مددکاری اجتماعی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. در همین راستا، برگزاری سمینارهای توجیهی برای مدیران مدارس و دست‌اندرکاران، به منظور روشن شدن جایگاه و نقش خدمات مشاوره‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به علاوه، به منظور شناسایی علل و چرایی عدم موفقیت برنامه‌های راهنمایی و مشاوره در گذشته، و عدم تکرار آنها در آینده، و همچنین نشان دادن شایستگی و ضرورت وجود این برنامه‌ها در رفع مشکلات تحصیلی و زونی دانش‌آموزان، بررسی کمیت و کیفیت برنامه‌های آموزشی و اجرایی مشاوران در سایر ملل و جوامع از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

۹. ارتباط برنامه‌های راهنمایی و مشاوره با موسسات و دستگاههای ذیربط:

انجام برنامه‌هایی که به اختصار به آنان اشاره شد، و همچنین انجام رسالت سنگینی که برنامه

راهنمایی و مشاوره در جامعه برعهده دارد، منوط به همکاری و مشارکت همه افراد ذیربط است. این همکاری در محیطی مناسب و جوی مملو از همکاری امکان‌پذیر است. تنها از طریق اشتراک مساعی همه افراد ذیربط و ذینفع با مشاور است که وی می‌تواند این برنامه را به صورت مطلوب در مدرسه اعمال و اجرا کند. به این اعتبار، همکاری و مشارکت مستمر و مستقیم وزارت آموزش و پرورش، دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، به‌ویژه دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی که تربیت و آموزش مشاور را بر عهده دارند از یک طرف، و مشارکت فعال وزارت خانه‌ها و ادارات دیگری که به نحوی با برنامه‌های راهنمایی و مشاوره در ارتباط هستند لازم و ضروری است. نکته آخر اینکه وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت آموزش و پرورش با همکاری یکدیگر به‌منظور تربیت و آموزش مشاور برای مقاطع تحصیلی دیگر و از آن جمله مقطع راهنمایی باید از هم‌اکنون برنامه‌ریزی کنند و تأسیس و راه‌اندازی برنامه‌های راهنمایی و مشاوره را سرلوحه کار و وجهه همت خویش قرار دهند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف. منابع فارسی

- احمدی، سیداحمد. (۱۳۷۲). مقدمه‌ای بر مشاوره و روان‌درمانی. اصفهان: نشر جمعه، ۱۳۷۲
- اردبیلی، یوسف. (۱۳۷۴). اصول و فنون راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش. تهران: انتشارات بعثت.
- اردبیلی، یوسف. (۱۳۷۱). ضرورت مشاوره و وظایف مشاور و مدیر در آموزش و پرورش. مدیریت در آموزش و پرورش. تهران: سال اول، شماره ۲.
- حسینی، سیدمهدی. (۱۳۶۴). مشاوره و راهنمایی در تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دفتر آموزش. راهنمایی تحصیلی. (۱۳۵۷). خط‌مشی امور راهنمایی و مشاوره در مدارس (نشریه). تهران: انتشارات دفتر برنامه‌ریزی و وزارت آموزش و پرورش.
- شاملو، سعید و سیروس ایزدی. (۱۳۷۰). راهنمای تهیه شرح‌حان و مصاحبه. تهران: انتشارات رشد.
- شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۷۲). راهنمایی شغلی و حرفه‌ای و نظریه‌های انتخاب شغل. تهران: انتشارات رشد.
- شفیع‌آبادی، عبدالله و غلامرضا ناصری. (۱۳۷۲). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. چاپ دوم. تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- شریتمنداری، علی. (۱۳۶۶). لزوم تجدید نظر در سازمان و برنامه‌های تربیت معلم. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- شبلینگ، لرتیس. (۱۳۷۲). نظریه‌های مشاوره (دیدگاه‌های مشاوره). ترجمه سید، خدیجه آربن. تهران: انتشارات اطلاعات.
- عطاری، یوسفعلی. (۱۳۶۳). بررسی علل عدم موفقیت برنامه‌های راهنمایی و مشاوره در ایران بین سالهای ۱۳۵۷ - ۱۳۵۰. انتشارات دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، جزوه شماره ۱۷.

- گدارد، دیوید. (۱۳۷۴). مفاهیم بنیادی و مباحث تخصصی در مشاوره. ترجمه سیمین حسینیان. تهران: انتشارات آگاه.
- معدن‌دار، عباس. (۱۳۷۴). مشکل فرهنگی مشاوره در نظام تحصیلی ایران. تهران: ماهنامه تربیت، ۱۳۷۴: (۹).
- نیکزاد، محمود و علی‌اکبر مهرآرا. (۱۳۷۰). زمینه راهنمایی و مشاوره در تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات کیهان.
- وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۶۶). کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- وزارت فرهنگ و آموزش عالی، شورای عالی برنامه‌ریزی گروه علوم انسانی، رشته راهنمایی و مشاوره شماره مصوب ۱۳/۱۵۹۵ مورخ ۷۴/۵/۳۱. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، شهریورماه ۱۳۷۴.
- یمینی دوزی سرخابی، محمد. (۱۳۷۲). تحلیل نظام آموزشی ایران از دیدگاه توسعه. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. بهار ۱۳۷۲ (۱).
- یمینی شریف، عباس. (۱۳۵۶). ۱۸۰۰ مشاور در ۴۷۰۰ مدرسه راهنمایی تسلیم مشکلات دانش‌آموزان شده‌اند. روزنامه کیهان، فروردین ۱۳۵۶: (۱۳۵).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ب. منابع انگلیسی

- Cormier, W. H. & L. S. Cormier (1991). Interviewing strategies for helpers, Third Edition. U.S.A: Brooks/Cole Publishing Company.
- Cory, G.(1991). Theories and practice of counseling and psychotherapy. Fourth Edition. USA: Brooks/Cole Publishing Company.
- Gibson, R. E. & M. H. Mitchell. 1992 Introduction to counseling and guidance. Fifth Edition. New York: McMillan Publishing Company,

